

شاخصه های انتخاب شغل

هر کدام از ما زمانی که می خواهیم شغلی انتخاب کنیم و عمرمان را در آن بگذرانیم شاخصه هایی در ذهنمان هست که آن شغل را با آن شاخصه ها تطبیق می دهیم و اگر چند تا از آنها را داشت و یا اینکه خلاصه می ارزید در آن شغل وارد می شویم و گرنه ممکن است ترجیح بدهیم بیکار بمانیم و دنبال شغل دیگری باشیم.

یقیناً این شاخصه ها در ذهن همه ما یکسان نیست و همچنین اولویت ها با یکدیگر تفاوت دارد اما آنچه کارشناسان کسب و کار به جمع بندی رسیده اند گواه این موضوع است که دوازده شاخصه را می توان به عنوان شاخصه های اکثریت مردم در نظر گرفت که البته ترتیب آنها در ذهن هر کدام از ما متفاوت است. ابتدا با هم آن ۱۲ شاخصه را می خوانیم و سپس درباره هر یک از آنها می بینیم که تجارت نسبت به سایر شغل ها برتری دارد.

۱. میزان درآمد و پول

اینکه در این شغل چقدر پول وجود دارد مهمترین شاخصه برای اکثر مردم است.

در کتاب خدا قرآن ۹ بار نام تجارت آمده است در حالیکه نام هیچ شغل دیگری حتی دو بار هم نیامده است و ۹ شغل دیگر هستند که هر کدام فقط یک بار اسمشان آورده شده است.

در حدیث معتبر از پیامبر خداست که فرمود روزی بر ده قسم است که نه قسم آن در تجارت است.

و نیز به روایات صحیح از امامان معصوم ما رسیده که نه دهم ثروت در تجارت است.

فارغ از این استدلال های نقلی وقتی از نظر تجربی هم نظری به جهان می اندازیم می بینیم که طبق آخرین آمارهای جهانی ۹۲ درصد ثروتمندان جهان تاجرنند.

به مجلات معتبر معرفی ثروتمندان بروید و آمارها را ببینید.

از طرف دیگر تمام کشورهای پولدار جهان، همان هایی هستند که مردمشان در تجارت حرفی برای گفتن دارند نه اینکه در بورس و رمز ارز کولاک کرده باشند بلکه دقیقا کشورهای فقیر را که نگاه می کنیم می بینیم رمز ارز و بورس و هرمی و امثال اینها کولاک کرده است.

۲. پیشرفت شغلی

برای ما مهم است که وقتی در شغلی وارد می شویم در آن پیشرفت داشته باشیم.

شما در کارگری چه پیشرفتی دارید جز اینکه بدنتان سال به سال ضعیف تر می شود؟

در کارمندی چه پیشرفتی دارید جز اینکه حتی حقوقتان به اندازه تورم کشور هم افزایش پیدا نمی کند؟

یک راننده تاکسی اینترنتی چه پیشرفت شغلی دارد؟

یک مغازه دار چه پیشرفتی دارد جز اینکه سال به سال بازار راکدتر شده و اینقدر دست زیاد می شود که مشتریان قبلی اش را هم از دست می دهد.

اما به تجارت که نگاه می کنید شما هر سال در حال فتح جدید هستید و مخصوصا زمانی که صادرات می کنید دقیقا می بینید که در حال کشورگشایی هستید و بازارهای جدیدی را در طول زمان بدست می آورید و این پیشروی ها یک حس فوق العاده را به شما منتقل می کند که در هیچ شغلی حتی یک دهمش را نمی توانید متصور شوید.

۳. امنیت شغلی

شما در اکثر شغل ها باید نگران اخراج شدن، تعدیل نیرو، از دست شغل و یا از کار افتادگی و کنار گذاشته شدن باشید اما در تجارت هیچ کسی نه می تواند شما را اخراج کند و نه تعدیل

نماید و یا از کار بیکار کند بلکه همواره امنیت شما در این شغل تضمین شده است و با خیال راحت می توانید سال های سال به آن دل ببندید و خودتان را در آن محکم کنید.

۴. آقا بالا سر ندارید.

شما در اکثر شغل ها یک آقا بالا سر دارید و متاسفانه در بسیاری از جاها این آقا بالا سرها از نظر عقلی از شما پایین ترند و چقدر دردناک است که انسان امیری داشته باشد که به او بگوید بکن و نکن در حالیکه یکی باید به او بگوید چه بکند و چه نکند و واقعا این موضوع یکی از دردناکترین قسمت های کارمندیست که کارمندان عزیز دردش را حس کرده اند.

در تجارت شما هیچ آقا بالا سری ندارید و خودتان رئیس و فرمانده خودتان هستید و تازه وقتی کمی در آن جا بیفتید نیروهایی خواهید گرفت که به آنها امر و نهی خواهید کرد.

۵. رشد عقلی و شخصیتی

خلاصه برای ما مهم است که در این کاری که انجام می دهیم از نظر عقلی و شخصیتی چقدر رشد می کنیم؟

در اینجا نمی خواهم به شغلی اشاره کنم که خدای نکرد محل دلخوری صاحبان آن شغل ها شود اما بینی و بین الله در شغلهایی که بین مردم رواج دارد در طول یک سال چقدر آن فرد از نظر عقلی و شخصیتی رشد می کند؟

اما شما در تجارت وقتی وارد می شوید در کمتر از یک سال چنان رشد عقلی و شخصیتی خواهید داشت که هر کسی از آشنایان که شما را در آن مدت ندیده باشد و سپس ببیند دهانش از تعجب باز می ماند که فلانی چقدر تغییر کردی اصلا تو را نشناختم چقدر ظاهرت و چقدر نحوه حرف زدن و شخصیت متفاوت شده است؟

البته اینجا باید برای خودتان اسپند دود کنید که چشم نخورید.

لازم به ذکر است که امام صادق علیه السلام درباره عقل و تجارت می فرماید: ۲ سوم عقل در تجارت است و کسی که آن را رها کند هیچگاه این دو سومش کامل نشود.

تجارت بر عقل می افزاید و ترک آن موجب نقصان عقل است. و چون در جایی به ایشان خبر دادند که فلانی تجارت را رها کرده است امام سه مرتبه فرمودند: این کار شیطان است این کار شیطان است این کار شیطان است.

۶. جایگاه اجتماعی

برای ما مهم است با این کاری که داریم از نظر جایگاه اجتماعی در چه مرتبه ای قرار می گیریم.

بسیار پیش می آید که شغلی با درآمد بالاتر را کنار می گذاریم فقط به جهت اینکه جایگاه اجتماعی پایینی دارد.

حال خودتان تصور کنید در یک مهمانی نشسته اید و شخصی خوش پوش وارد می شود و می گویند تاجر فلان محصول است. چه حسی در قلبتان از نظر جایگاه اجتماعی این فرد به وجود آمده است؟

می بینید که همینکه نام تاجر بر کسی اطلاق می شود یک جایگاه اجتماعی سطح بالا برایش قائل می شویم که در کمتر شغلی نظیرش دیده می شود.

۷. اثرگذاری در جامعه

یکی از شاخصه های مهم برای انتخاب شغل اینست که من با این شغلم چقدر اثرگذار هستم؟ وقتی به شغل های مختلف نگاه می کنی می بینی که تاثیر چندانی بر زندگی مردم ندارند و یا آنگونه که دلت می خواهد توانایی تاثیرگذاری بر مردم شهرت را هم نداری.

آیا قبول دارید که امروز بزرگترین اثری که مردم می خواهند در

زندگی شان ببینند و لمس کنند موضوعات اقتصادی است؟

پس کسی می تواند اثرگذار باشد که بتواند اقتصاد مردم را رونق

دهد و این کار تنها از دست تاجران ساخته است و دقیقا

شاهدیم که سال های سال به سمت موضوعات اقتصادی غیر از

تجارت رفتیم و کشورمان سال به سال فقیرتر شد.

مولای متقیان امیر مومنان علی علیه السلام در نامه ای که به

مالک اشتر نوشت و او را به فرمانداری مصر منصوب نمود که در

نهج البلاغه نامه ۵۳ آمده است او را به خوشرفتاری با تاجران

توصیه می کند و می فرماید:

تاجران اسباب روزی رسانی خداوند بر مردمند.

با آنها مدارا کن و خوشرفتار باش و هیچ نگرانی از جانب آنها در

ضربه زدن به حکومت نداشته باش چرا که آنان مردمانی از

جنس صلح و آشتی هستند.

چون تاجر زمانی تجارتش رونق دارد که جنگ نباشد.

۸. ساعت کاری

تنها شغلی که ساعت کاری اش کاملاً دست شماست و هر زمان از ۲۴ ساعت می توانید کار کنید و هر زمان خواستید می توانید دست از کار بکشید و یا آن را به زمان دیگری موکول نمایید تجارت است.

شغلی که هم می توانید ۲۴ ساعتش را کار کنید و هم می توانید هر ساعتی از شبانه روز خواستید به خودتان مرخصی بدهید. کسی هم نیست که به شما بگوید باید این ساعت کار کنی یا نکنی؟

اختیارتان ۲۴ ساعته دست خودتان است اما دقت کنید که با تنبلی و تن پروری اشتباه گرفته نشود.

موضوع بر سر اینست که ساعت کاری را خودتان برای خودتان در هر روز مشخص کنید و از این جهت آزادید اما خلاصه باید در طول روز ساعت هایی کار کنید تا چرخ تجارتتان بچرخد.

۹. مکان کاری

همه ی شغل ها محدود به یک مکانی هستند و اگر در آن مکان نباشند امکان کسب درآمد را ندارند.

اما تاجر است و یک گوشی همراهش و هر کجا که دلش خواست برود و نهایتش اینست که اینترنتش همواره برقرار باشد و سعی کند ساعت های زیادی در نقطه ای نماند که بی اینترنت شود همین.

و این یک مزیت فوق العاده تجارت است که شما در مسافرت هم پول در می آورید در حالیکه در بقیه شغل ها پول های بدست آمده قبلی شان را در مسافرت خرج می کنند اما تاجر در سفر هم سود می کند حتی اگر آن سفر کاملا تفریحی باشد.

شما هر وقت از شبانه روز که اراده کنید می توانید از شهری به شهر دیگر بروید و اینگونه نیست که مجبور باشید از چند روز قبل مرخصی بگیرید و با کسی قرار باشد هماهنگ کنید.

۱۰. امنیت اخلاقی

مسئله امنیت اخلاقی برای همه ما مهم است و یقیناً این موضوع برای خانم‌ها مهمتر است.

امنیت اخلاقی یک خانم عموماً زمانی مورد خطر قرار می‌گیرد که منافع شغلی‌اش وابسته به یک کارفرما یا مافوقیست که مسائل غیر اخلاقی را وارد در کار می‌کند و آن را دستاویزی برای مقاصد شوم خود قرار می‌دهد و ممکن است آن خانم تحت فشار و نگرانی قرار گیرد.

در تجارت چون منفعت شما دست هیچ خانم و آقای نیست و تاجر روزی‌اش را از خداوند می‌گیرد نه از دست کارفرما پس کسی نمی‌تواند امنیت اخلاقی‌اش را تهدید کند.

ما در طول ۱۸ سالی که در تجارت هستیم نشنیدیم حتی یک مورد غیر اخلاقی چه برای خانم‌ها و چه آقایان آراد می‌پیش بیاید و الحمدلله امنیت اخلاقی ۱۰۰ درصدی را در آراد شاهدیم.

۱۱. مزایای شغلی

وقتی می خواهید یک شغلی انتخاب کنید حتما این سوال

برایتان پیش می آید که چه مزایای شغلی دارد؟

عموما این مزایای شغلی مالیست که مثلا با ۱۰ تا ۲۰ درصد

افزایش پول حقوق تمام آن مزایا را می توان بدست آورد.

در تجارت آنقدر پول زیاد هست که مزایای شغلی یک شوخی

بچه گانه است و ما تاکنون گزارشی نداشتیم که تاجری دنبال

مزایای شغلی باشد و حتی تاجران این جمله را زشت می دانند

که بگویند مزایای شغلی ما چیست؟

مزایای شغلی برای کارمند و کارگری که حقوق می گیرد تعریف

می شود نه برای تاجری که خودش کلی خدم و حشم دارد و به

کارمندان و کارگانش حقوق می دهد.

الحمدلله تجارت چنان با برکت است که مزیت هایش به

اطرافیان هم می رسد و نیز همشهری ها را هم در بر می گیرد.

۱۲. تاثیر شغل در خانواده

و آخرین موضوعی که کارشناسان آورده اند اینست که وقتی انسان می خواهد شغلی انتخاب کند به تاثیر آن شغلش بر سایر اعضای خانواده فکر می کند.

مثلا وقتی کسی می خواهد رفتگر شهرداری شود با اینکه شغل بسیار با شرافت‌یست اما با خودش می گوید بچه ام در مدرسه وقتی درباره شغل پدرش سوال می کنند چه جوابی بدهد؟ همینکه پسر یا دخترش را شرمسار ببیند متاثر گردیده و سراغ این شغل نمی رود.

پس وقتی می خواهیم شغلی انتخاب کنیم برایمان مهم است که تاثیر این شغل بر سایر اعضای خانواده چگونه است؟

حتی شغل هایی هستند که ساعت کاری یا امنیت اخلاقی شان به گونه ایست که خانواده را نگران می کند و احساس اضطراب به دیگران می دهد از اینرو ما این شغل را با همه مزایایی که

ممکن است داشته باشد کنار می گذاریم چون معتقدیم آرامش روحی و روانی اعضای خانواده مان مهمتر از هر چیز است.

تجارت از این نظر هم از سایر شغل ها برتر است.

شما به پسر یا دخترت بگو فرزندم چه حسی داری اگر در بین دوستانت بگویی بابای من تاجر است؟

همسرت که با این تاجر بودنت کل خاندان را به زمین گرم نشانده و دیگر هیچ جاری و خواهر شوهری اجازه سخن گفتن در محضرش را ندارند و تاجر بودن چنان اعتباری به اعضای خانواده می دهد که به شما افتخار می کنند.

از اینکه مثالهایم را مردانه زدم به این معنا نیست که تجارت مختص مردان است بلکه چون نویسنده مرد است با مردان راحتتر شوخی می کند پس خانم هایی که خواننده متن هستند به دل نگیرند و آنها نیز مردانه پای تجارت بایستند تا از برکات تجارت بهره مند شوند.

ده درصد سود آراد از تجارت هایتان را هم فراموش نفرمایید.